دستور تار و سه‌تار

دوره‌ی متوسطه

حسین علیزاده

مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور

تهران، ۱۳۹۵

فهرست

- **مقدمه** ۷
- **نشانه‌ها** ۱۱
- **توضیحات** ۱۶
- **دانگ‌ها و فواصل مشترک در هفت درآمد دستگاه‌ها** ۱۸
- **دستگاه شور** ۲۱
  - پیش درآمد ۲۲
  - درآمد ۲۴
  - کرشمه ۲۵
  - چهارمضراب ۲۶
  - زیرکش سلمک ۲۷
  - گریلی ۲۸
  - رنگ ۲۹
- **آواز ابوعطا** ۳۱
  - پیش درآمد ۳۲
  - درآمد ۳۴
  - چهارمضراب ۳۵
  - حجاز ۳۶
  - رنگ ۳۷
- **آواز بیات ترک** ۳۹
  - پیش درآمد ۴۱
  - درآمد ۴۳
  - چهارمضراب ۴۴
  - جامه دران ۴۵
  - شکسته ۴۶
  - رنگ ۴۷
- **آواز افشاری** ۴۹
  - پیش درآمد ۵۰
  - درآمد ۵۲
  - چهارمضراب برای تار ۵۳
  - چهارمضراب برای سه‌تار ۵۵
  - عراق ۵۷
  - رنگ اول ۵۸
  - رنگ دوم ۵۹
- **آواز دشتی** ۶۱
  - پیش درآمد ۶۲
  - درآمد ۶۴
  - چهارمضراب ۶۵
  - ضربی گیلکی ۶۷
  - اوج ۶۸
  - رنگ ۶۹
- **دستگاه سه‌گاه** ۷۱
  - پیش درآمد ۷۲
  - درآمد ۷۵
  - چهارمضراب ۷۶
  - بسته نگار ۷۸
  - مخالف ۷۹
  - رنگ ۸۰
- **دستگاه چهارگاه** ۸۳
  - پیش درآمد ۸۵
  - درآمد ۸۷
  - چهارمضراب ۸۸
  - زابل و مویه ۸۹
  - ضربی حصار ۹۰
  - کرشمه‌ی حصار ۹۱
  - مخالف ۹۲
  - کرشمه‌ی حزینِ مخالف ۹۳

مقدمه

آموزش موسیقی ایران در قرن اخیر مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است و در این راه، گاه دچار تحولات اساسی نیز شده است. تحولاتی که در زمینه‌ی آموزش موسیقی روی داده درواقع ناشی از دگرگونی های خود موسیقی بوده است. ریشه‌ی این دگرگونی‌ها را هم باید در عرصه های اجتماعی جست‌وجو کرد. چرا که هنر تجلی‌گاه نیازهای جامعه است و هرگاه جامعه‌ای نیاز به دگرگونی داشته باشد، این نیاز را در ابتدا از راه دگوگون‌سازی هنر خود بیان خواهد کرد.

با پیشرفت لحظه به لحظه‌ی فن‌آوری و گسترش روزافزون ارتباطات، تاثیرگذاری فرهنگ های گوناگون بر یکدیگر روزبه‌روز بیشتر از گذشته می‌شود. در این میان، ملت هایی که از نظر اقتصادی و تحولات علمی و صنعتی پیشرفت بیشتری داشته‌اند، توانسته‌اند از نظر فرهنگی نیز تاثیرات تعیین کننده‌ای بر ملل دیگر بگذارند ـ حتا بر آنان که از جنبه های فرهنگی و معنوی غنی‌تر برخوردار بوده‌اند. کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگ کهن هستند و مردم آن در فراز و نشیب تاریخ اگرچه برخی از ویژگی های فرهنگی خود را از دست داده و دست‌چینی از فرهنگ های دیگر را جای گزین کرده‌اند؛ امّا در مجموع بسیاری از این ویژگی‌ها را حفظ کرده‌اند.

متأسفانه امروز ملت هایی که می‌توانند به علت داشتن ریشه های مشترک تاریخی و فرهنگی به هم نزدیک باشند و تاثیرات مثبتی روی هم بگذارند، همگی چشم به دنیایی دوخته‌اند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی پیشرفته‌تر، ولی از نظر فرهنگی کاملاً با آنان متفاوت است. البته شکی نیست که فرهنگ و هنر غرب در قرون گذشته تحولات قابل ملاحظه‌ای داشته است، امّا به موازات آن، جنبه‌ی تسلطگرایی آن را نیز باید درنظر گرفت که این امکان را به‌وجود می‌آورد تا با استفاده از قدرتی که دارد، فرهنگ های دور را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد؛ به‌طوری که امروز در ایران به هنری «پیشرفته» می‌گویند که به فرهنگ غربی نزدیک‌تر باشد.

امروز تلاش ما در عرصه‌ی هنر تلاش بسیار حساسی است: نه می‌بایست کاملاً شیفته و خودباخته‌ی فرهنگ های دیگر بشویم و نه این که امکان هرگونه ارتباط و تجربه های مفید ناشی از ارتباط را از بین ببریم. هرچند تحول و دگرگونی اجتماعی یک ضرورت تاریخی است، حفظ میراث فرهنگی و هماهنگ‌سازی درست آن با شرایط زمان نیز لازم است. هرقدر فرهنگ و هنر غنیِ خود را محفوظ بداریم و در پربارتر شدنش کوشاتر باشیم، ترس از خدشه‌دار شدنش کم‌تر خواهد شد.

در قرن گذشته استادان بزرگی چون میرزا عبدالله، میرزا حسین‌قلی، علی‌اکبرخان شهنازی، درویش‌خان، علی‌نقی وزیری، ابوالحسن صبا و . . . هرکدام به‌گونه‌ای نقشی به‌سزا در تحولات موسیقی ایران و در امر آموزش آن داشته‌اند. نکته‌ی جالب توجه این است که نظرات هیچ‌کدام از این استادان با یکدیگر مغایرت اساسی نداشته است و همگی بر این عقیده بوده‌اند که موسیقی و فرهنگ ایران باید با دلسوزی و فداکاری حفظ شود. آموزش این هنر به نسل های آینده، سرلوحه‌ی کار این استادان و آفرینش و خلاقیت، لازمه‌ی حیات هنری‌شان بوده است.

امّا هرکدام از آن‌ها می‌بایست این هدف بزرگ را با توجه به شرایط موجود زمان و عصری که در آن زندگی می‌کرده‌اند، پیش ببرند. به عنوان مثال دلیل این که زمینه هایی از فرهنگ و موسیقی غرب در آثار علی‌نقی وزیری به چشم می‌خورد این است که شرایط آن دوره ایجاب می‌کرده که حتا حفظ میراث فرهنگی با ظاهری متمایل به غرب انجام شود و در غیر این صورت

مقدمه

آموزش موسیقی ایران در قرن اخیر مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است و در این راه، گاه دچار تحولات اساسی نیز شده است. تحولاتی که در زمینه‌ی آموزش موسیقی روی داده درواقع ناشی از دگرگونی‌های خود موسیقی بوده است. ریشه‌ی این دگرگونی‌ها را هم باید در عرصه‌های اجتماعی جست‌وجو کرد. چرا که هنر تجلی‌گاه نیازهای جامعه است و هرگاه جامعه‌ای نیاز به دگرگونی داشته باشد، این نیاز را در ابتدا از راه دگوگون‌سازی هنر خود بیان خواهد کرد.

با پیشرفت لحظه به لحظه‌ی فن‌آوری و گسترش روزافزون ارتباطات، تاثیرگذاری فرهنگ‌های گوناگون بر یکدیگر روزبه‌روز بیشتر از گذشته می‌شود. در این میان، ملت‌هایی که از نظر اقتصادی و تحولات علمی و صنعتی پیشرفت بیشتری داشته‌اند، توانسته‌اند از نظر فرهنگی نیز تاثیرات تعیین کننده‌ای بر ملل دیگر بگذارند ـ حتا بر آنان که از جنبه‌های فرهنگی و معنوی غنی‌تر برخوردار بوده‌اند. کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگ کهن هستند و مردم آن در فراز و نشیب تاریخ اگرچه برخی از ویژگی‌های فرهنگی خود را از دست داده و دست‌چینی از فرهنگ‌های دیگر را جای‌گزین کرده‌اند؛ امّا در مجموع بسیاری از این ویژگی‌ها را حفظ کرده‌اند.

متأسفانه امروز ملت‌هایی که می‌توانند به علت داشتن ریشه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی به هم نزدیک باشند و تاثیرات مثبتی روی هم بگذارند، همگی چشم به دنیایی دوخته‌اند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی پیشرفته‌تر، ولی از نظر فرهنگی کاملاً با آنان متفاوت است. البته شکی نیست که فرهنگ و هنر غرب در قرون گذشته تحولات قابل ملاحظه‌ای داشته است، امّا به موازات آن، جنبه‌ی تسلطگرایی آن را نیز باید درنظر گرفت که این امکان را به‌وجود می‌آورد تا با استفاده از قدرتی که دارد، فرهنگ‌های دور را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد؛ به‌طوری که امروز در ایران به هنری «پیشرفته» می‌گویند که به فرهنگ غربی نزدیک‌تر باشد.

امروز تلاش ما در عرصه‌ی هنر تلاش بسیار حساسی است: نه می‌بایست کاملاً شیفته و خودباخته‌ی فرهنگ‌های دیگر بشویم و نه این که امکان هرگونه ارتباط و تجربه‌های مفید ناشی از ارتباط را از بین ببریم. هرچند تحول و دگرگونی اجتماعی یک ضرورت تاریخی است، حفظ میراث فرهنگی و هماهنگ‌سازی درست آن با شرایط زمان نیز لازم است. هرقدر فرهنگ و هنر غنیِ خود را محفوظ بداریم و در پربارتر شدنش کوشاتر باشیم، ترس از خدشه‌دار شدنش کم‌تر خواهد شد.

در قرن گذشته استادان بزرگی چون میرزا عبدالله، میرزا حسین‌قلی، علی‌اکبرخان شهنازی، درویش‌خان، علی‌نقی وزیری، ابوالحسن صبا و . . . هرکدام به‌گونه‌ای نقشی به‌سزا در تحولات موسیقی ایران و در امر آموزش آن داشته‌اند. نکته‌ی جالب توجه این است که نظرات هیچ‌کدام از این استادان با یکدیگر مغایرت اساسی نداشته است و همگی بر این عقیده بوده‌اند که موسیقی و فرهنگ ایران باید با دلسوزی و فداکاری حفظ شود. آموزش این هنر به نسل‌های آینده، سرلوحه‌ی کار این استادان و آفرینش و خلاقیت، لازمه‌ی حیات هنری‌شان بوده است.

امّا هرکدام از آن‌ها می‌بایست این هدف بزرگ را با توجه به شرایط موجود زمان و عصری که در آن زندگی می‌کرده‌اند، پیش ببرند. به عنوان مثال دلیل این که زمینه‌هایی از فرهنگ و موسیقی غرب در آثار علی‌نقی وزیری به چشم می‌خورد این است که شرایط آن دوره ایجاب می‌کرده که حتا حفظ میراث فرهنگی با ظاهری متمایل به غرب انجام شود و در غیر این صورت

تاثیرگذاری لازم تحقق نمی‌یافته است. امّا نقشی که ابوالحسن صبا ـ شاگرد وزیری ـ پیدا می کند متفاوت است. او با جوهر اصیل و ذوق سرشار خود همه‌ی تجربیات و تاثیرات ناشی از فرهنگ غالب زمان را از صافی وجود خود ـ که گویی صافی تاریخ است ـ گذرانده و توانسته است نقش بسزایی، در حد یک بازسازی مؤثر، در موسیقی ایران داشته باشد.

از جمله تحولات آموزش موسیقی ایران، مکتوب شدن آن است. در گذشته های دور موسیقی تمام جهان به صورت شفاهی بوده است. در غرب نیز پس از تحولاتی که منجر به مکتوب شدن همه‌ی علوم و فنون شد، موسیقی هم به‌صورت مکتوب متداول شد. امّا هنوز هم در تمام جهان، یک اثر موسیقی ابتدا به‌صورت غیرمکتوب در ذهن هنرمند به‌وجود می آید و بعد ثبت می‌شود؛ همان‌طور که یک اثر نقاشی اول در ذهن نقاش شکل می گیرد و تابلو، نماد بیرونی آن است که به‌صورت عینی درمی‌آید.

حضور خود هنرمند یا یک استاد دیگر در آموزش موسیقی، چه به روش شفاهی و چه به طریق کتبی، ضروری و تعیین کننده است. اگر شاگرد قطعه‌ی موسیقی را تنها با استفاده از نت و بدون حضور استاد یاد بگیرد، اجرای او از آن قطعه به‌مراتب با روح خالق آن اثر فاصله خواهد داشت و قطعاً حضور استاد، به نمایندگی صاحب اثر، انتقال‌دهنده‌ی روح خالق آن است. می‌توان گفت اجرای تمام آثار موسیقی که به‌صورت مکتوب درآمده‌اند، بدون حس و حضور استاد، بی‌معنی خواهد بود. به همین ترتیب، مکتوب شدن موسیقی ایران نیز از لحاظ ثبت اهمیت بیشتری دارد تا از لحاظ آموزش و اجرای آن.

علی‌نقی وزیری از جمله استادانی است که به دلیل رابطه و آشنایی با فرهنگ و هنر غرب، برای مکتوب شدن موسیقی اهمیت زیادی قایل بود و می‌توان او را از پیش کسوتان این زمینه در دوران تجدد دانست.

همان‌طور که می‌دانید موسیقی ایران در گذشته نیز به شیوه‌ی مکتوب بوده است و فلاسفه و دانشمندان و هنرمندان، در عرصه‌های عملی و نظری این هنر، آثار زیادی خلق کرده‌اند. متأسفانه بسیاری از این آثار در شرایط نامناسب تاریخی، اجتماعی و سیاسی از بین رفته‌اند؛ امّا میزان ارزش آثار معدودی که به‌جای مانده، برای اثبات این مدعا کافی است که موسیقی ایران بر اثر جبر زمان به مدت طولانی از شکل مکتوب خود دور افتاده و همین امر نیز باعث زیان‌های بسیاری شده که تحمل کرده است.

پس از تسلط فرهنگی غرب، استادان ما ضرورت مکتوب شدن موسیقی را حس کردند؛ امّا این‌بار تحت تاثیر شرایط و تفکر حاکم، به‌جای آن که این مهم را با استمداد از فرهنگ غنی گذشته به‌انجام برسانند و راه گذشتگان خود را ادامه دهند، به شکل متداول بین‌المللی ـ یا بهتر بگوییم غربی آن ـ روی آوردند. خوشبختانه در چند دهه‌ی اخیر با وجود تمام کمبودها، مشکلات و موانع، هنرمندان و استادان گران‌قدر عصر حاضر تلاش ارزنده‌ای در زمینه‌ی کتابت موسیقی ایران، با حفظ هویت اصلی و ویژگی های آن به عمل آورده‌اند. امید می‌رود که موسیقی‌دان ایرانی با تولدی دوباره در عرصه‌ی نظری موسیقی و یافتن ابزار مناسب و درخورِ کتابت آن، بتواند گامی در جهت حفظ میراث فرهنگی جهان بردارد.

چند نکته در مورد این کتاب

هدف از نوشتن کتاب دوره‌ی متوسطه، آشنا شدن سریع‌تر، تسلط و درک راحت‌تر هنرجویان از محتوای موسیقی دستگاهی در همان آغاز راه است. در این کتاب تمام هفت دستگاه و پنج آواز منشعب از آن‌ها به‌صورت مختصر نوشته شده است تا از این طریق ذوق هنرجویان پرورش یابد و آشنایی عمیق‌تری نیز با نغمه‌ها و فرم‌های موجود در موسیقی دستگاهی پیدا کنند. مسلماً در دوره‌ی عالی، هنرجویان با جزئیات بیشتر و پیچیده‌تری به آموختن ردیف خواهند پرداخت؛ بنابراین در این کتاب، بیشتر با فرم های متداول در اجرای موسیقی دستگاهی مانند پیش‌درآمد، چهارمضراب، ضربی و رنگ آشنا می‌شوند و گوشه‌های اصلی دستگاه‌ها و آوازها را نیز فراخواهند گرفت.

نکته‌ی مهم برای هنرجویانی که برای اولین‌بار با ردیف مواجه می‌شوند، درک کشش‌ها و قالب‌بندی ریتم و ملودی هاست.

متن ردیف دارای ریتم های گوناگون و متغیر است. در این کتاب برای ساده شدن گوشه، ریتم اولیه‌ی هر گوشه به‌عنوان قالب ریتمیک آن درنظر گرفته شده است. در ابتدا هنرجو با راهنمایی هنرآموز با الگوی ریتمیک اولیه‌ی گوشه آشنا می‌شود. سپس ملودی در قالب همان الگو در کل گوشه تکرار می‌شود. به همین دلیل تمام گوشه‌ها از نظر ریتم، به‌صورت قرینه «زیرهم‌نویسی» شده‌اند تا در همان نگاه اول، کل ریتم هر گوشه برای هنرجو قابل رؤیت باشد. ضمناً در قطعه های ضربی اگر آهنگ‌ها اشاره به گوشه‌ای دارند، نام آن گوشه در همان جا ذکر شده تا هنرجو حرکت آهنگین گوشه‌ها را در قطعه های ضربی نیز فراگیرد.

نکته‌ی دیگری که هنرجویان از ابتدا باید از اهمیت آن مطلع شوند، به‌کارگیری مضراب های بجا و درست است. در بسیاری از جمله‌ها، مضراب‌ها به‌صورت های گوناگون و متنوعی به‌کار می‌روند. باید توجه داشت که هر مضراب راست یا چپ به دلیلی در جای خاص خود آمده و نباید به‌صورت دیگری اجرا شود. مضراب های راست که با شدت بیشتری اجرا می‌شوند، درواقع وظیفه‌ی تشکیل تقسیمات ریتمیک در آواز را به‌عهده دارند. علاوه براین، از مضراب‌بندی های مختلف به‌منظور ایجاد حرکت در ریتم، حفظ قرینگی های ریتمیک و ملودیک، تطبیق ملودی با هجاهای کلام، ایجاد تنوع در تحریرها، ایجاد شدت‌ها و آکسان های مختلف، ایجاد لحن های گوناگون، رعایت امکانات تکنیکی ساز و رسیدن به سرعت مطلوب استفاده می‌شود.

به عنوان مثال اگر تقسیم های جمله سه‌تایی باشند، مضراب های راست و چپ به شکل های گوناگونی که هرکدام مفهوم خاص خود را دارند می‌توانند ظاهر شوند، مانند:

با دو مضراب ۸ و ۷ می‌توان ترکیب های متنوع‌تر و پیچیده‌تری نیز نواخت، مانند:

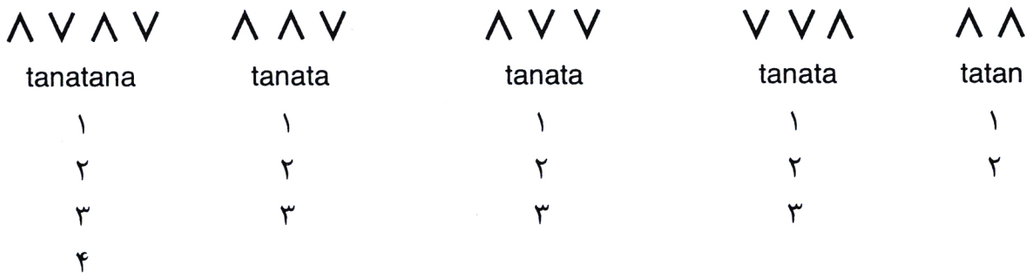

برای اجرای صحیح مضراب‌ها می‌توانید ابتدا ترکیب های مختلف مضراب را جدا از درس تمرین کنید.

دقت در انگشت‌گذاری‌ها نیز اهمیت بسیار دارد. انگشت‌گذاری در سه‌تار و تار، دو گونه است:

۱. انگشت‌گذاری به شیوه‌ی قدما که دارای خصوصیات زیر است:

الف) انگشت‌ها اغلب به‌صورت پیوسته و بدون پرش حرکت می کنند.

ب) حرکت انگشت‌ها در حد دانگ های گوشه‌ها (حدفواصل چهارم یا پنجم) است.

ج) حرکت های پاساژگونه (بیش از حد فواصل چهارم یا پنجم) به‌ندرت صورت می گیرد.

۲. انگشت‌گذاری به شیوه های جدید

پیش‌درآمد شور
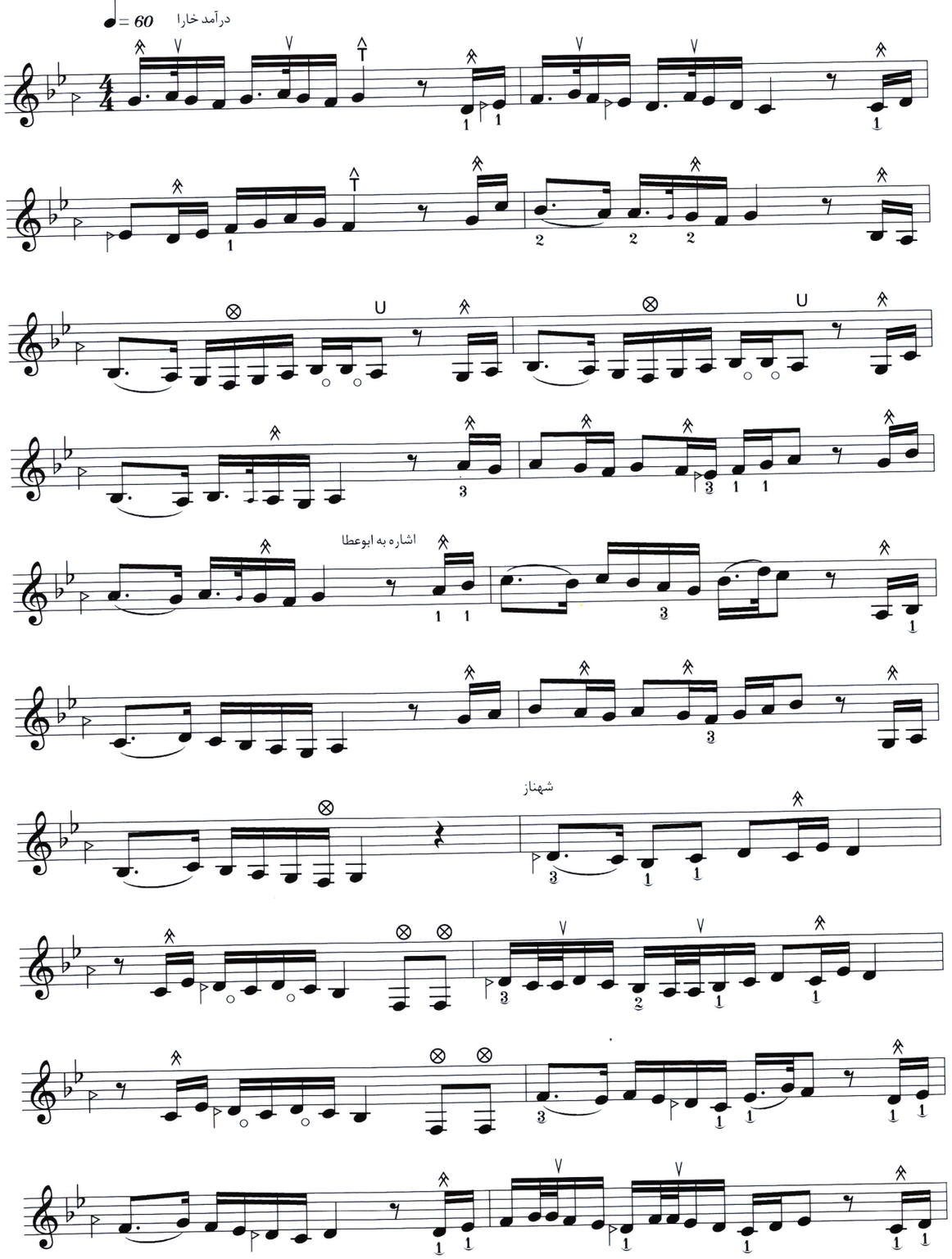
به انگشت گذاری ویژه در میزان دوم سطر هشتم توجه کنید.
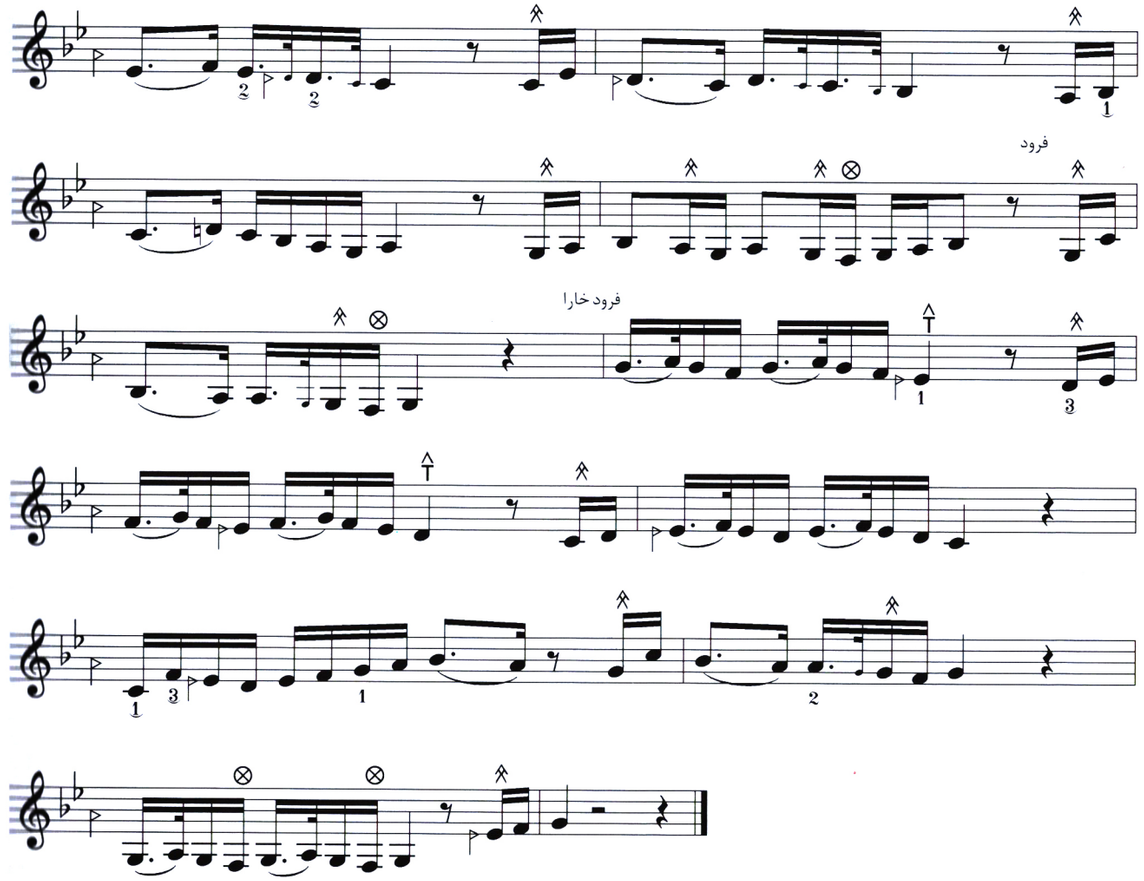
نشانه ی ⊗ در سه تار با مضراب چپ و در تار با مضراب راست اجرا می‌شود.
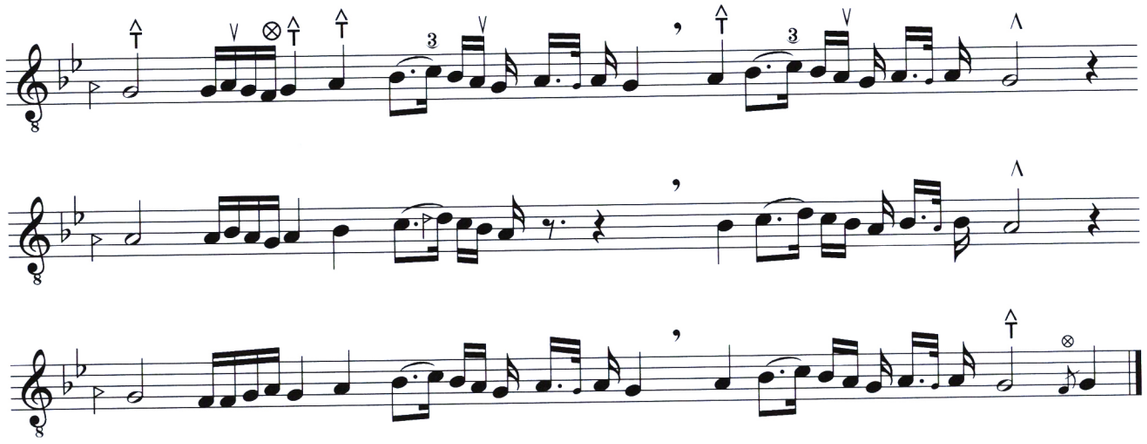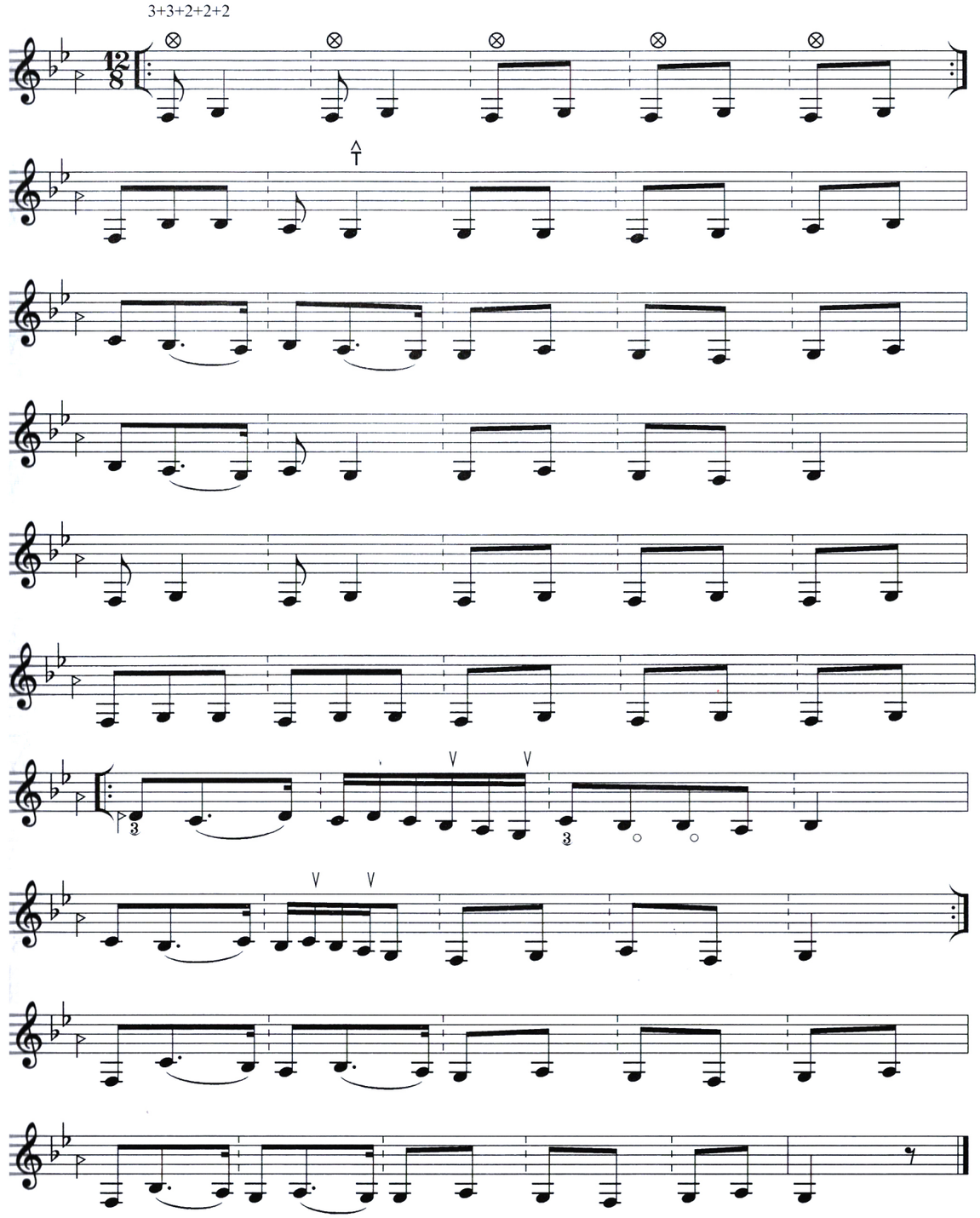
علامت 8 زیر کلید به معنای اجرای تمام نت‌ها در یک اکتاو بم‌تر است.
این درس در شور Sol نوشته شده و شاهد و ایست آن نیز Sol است.